

## حرف‌های موسوی در دیدار با ملی-مذهبی‌ها

خبر دیدار موسوی با ملی-مذهبی‌ها پنجشنبه ۲ اردیبهشت منتشر شد و در خبر آمده بود که این دیدار به بهانه سال نو بوده. در این دیدار عزت‌الله سبحانی، حبیب‌الله پیمان و چند نفر از اعضای شورای فعالان ملی-مذهبی و جنبش مسلمانان مبارز (مثل محمدحسین رفیعی و محمد بسته‌نگار) حضور داشته‌اند. تا جایی که من یادم می‌آید موسوی در این یک سال (و به احتمال خیلی زیاد در همه بیست سال گذشته) دیداری با ملی-مذهبی‌ها نداشته و به نظر من دیدار نشانه یک تصمیم در موسوی است. موسوی در اسفند ماه و در **مصاحبه با کلمه** گفته بود: «با انحراف شدید صدا و سیما و یک‌طرفه شدن آن و بسته شدن روزنامه‌های کشور و زندانی شدن ده‌ها روزنامه‌نگار، به نظر می‌آید که ایجاد تشکیلاتی که بتواند چهره‌های مؤثر را دور هم گرد آورد تا به صورت آشکار و در چارچوب قانون اساسی کار را به پیش ببرند فعلا منتفی است.» و به نظر من این دیدار نشانه تغییر تدریجی این دیدگاه است (نشانه‌های این تغییر دیدگاه را در حرف‌های امروز (یکشنبه) موسوی با اینارگران هم می‌توان دید.

### حرف‌های موسوی:

برای تامین منافع ملی و رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، چاره‌ای جز استمرار این مسیر و تداوم جنبش سبز نداریم؛ روندی که طی آن، نیازمند صوری و تحمل سختی‌ها و شدائد است. جنبش سبز اهدافی را پیگیری و مطرح می‌کند که برگرفته از ارزش‌ها و خواسته‌های مردم ایران است. باید ایجاد جامعه مدنی به‌هم پیوسته، با استفاده از تمامی امکانات موجود در کشور را پی گرفت. تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد سبز در حوزه‌های گوناگون در کشور از همین زاویه، برای سامان یافتن و تولد تدریجی جامعه‌ی مطلوب، ضروری است.

اتفاقی که در ۲۵ خردادماه سال گذشته در تهران بوقوع پیوست، و آن حضور مهربانانه و همدلانه توام با مدارا و صبوری و همیاری و نیز کنش مدنی معترضان، نمونه و الگویی از جامعه‌ای مطلوب است. باید با ارزش‌ها و اهداف سیاسی، زندگی کرد. کار، کاری طولانی، و مسیر جنبش سبز، راهی پر پیچ و خم و زمان‌بر است؛ اگرچه شاید جنبش زودتر از آنچه بسیاری تصور می‌کنند به نتیجه برسد، اما باید صبور بود و استقامت ورزید و

برای تداوم جنبش، زندگی کردن با آن را درپیش گرفت.

**البته ایستادن و صبوری کردن و استقامت برای تحقق مطلوب‌های جنبش سبز، هزینه بر است و از این گریزی نیست؛ سختی‌ها و فشارها و محدودیت‌ها و سرکوب‌ها و شدائد و زندان‌ها، وجود دارد،** اما چاره‌ای جز ادامه‌ی این راه و تحمل این مصائب و پرداخت هزینه‌ها نیست.

احزاب نیل به قدرت و تصاحب آن را مدنظر دارند. البته ایرادی هم بر احزاب نیست؛ اما در جنبش سبز بحث تصاحب قدرت، فرع بر هدف اصلی است؛ هدف جنبش سبز، متحول کردن جامعه و رسیدن به جامعه‌ای مطلوب و در خور ایرانیان است. **این رویکرد (یعنی فرع بودن قدرت) به ما آرامش خواهد داد.** اگر بتوان این نگاه را به گونه‌ای آگاهانه در جامعه گسترش داد، بسیار مفید و موثر خواهد شد.

مسئله آگاهی‌بخشی، موضوعی بسیار مهم محسوب می‌شود. **هر تغییر وقتی متحقق می‌شود که ایده‌ای متولد شود. اکنون به نظر می‌رسد که ایده‌ی تغییر متولد شده است؛** هر چقدر این ایده و ابعاد آن را بیشتر تبیین کنیم، امکان بسط و پیشبرد جنبش بیشتر می‌شود. **ما باید بیش از پیش، مردمی را که در منطقه خاکستری زیست می‌کنند (شهروندانی که نه همراه جنبش سبز هستند و نه موافق و همگام صاحبان قدرت و حکومت) نسبت به «منطقه روشن» آگاه، و جنبش سبز دعوت و جذب کنیم.**

صاحبان قدرت هم بیش از هر چیز نسبت به بسط آگاهی‌ها در جامعه حساس‌اند؛ چنان‌که نسبت به اطلاع‌رسانی در مورد تعداد شهدای جنبش یا تبیین و خیررسانی در خصوص واقعیت سرکوب‌ها و انتشار اخبار مربوط به رفتارهای غیرانسانی با بازداشت‌شدگان، حساسیت فراوان و برخوردهای تندی نشان داده‌اند. مسئله رسانه برای ما بسیار حیاتی است و متأسفانه به علل و دلایل گوناگون، در این عرصه (رسانه و اطلاع‌رسانی لازم و کافی) دچار ضعف و نقص‌ایم. ما هنوز از امکانات اینترنت و بستری که فضای مجازی در اختیار ما قرار می‌دهد، حداکثر بهره و استفاده را نبرده‌ایم.

همه باید دور هم و کنار و همدل یکدیگر باشیم؛ باید روی «حداقل‌ها» توافق کرد. شعارهایی را برگزینیم که قدرت وصل‌کردن و همراه ساختن

حداکثری داشته باشد. همان‌طور که رنگ سبز، شاخصی حداقلی برای پیوند یافتن شهروندان معترض به وضع موجود شده است، باید بر محورهایی حداقلی برای پیشبرد و گسترش جنبش سبز اجماع کرد.

باید برای همگان مشخص شود که ما به فکر منافع و مصالح ملی هستیم؛ بحث خودخواهی مطرح نیست. ما نمی‌خواهیم کنار ظلم و ظالم بایستیم؛ ما کنار مظلوم‌ایم. اگرچه جنبش سبز اهل مدارا و گفت‌وگوست. باید با تعامل و گفت‌وگو و همفکری همه جریان‌های دلسوز ایران و پیگیر منافع ملی، این کار و راه دشوار و طولانی را پیش برد. ما مبلغ قرائت رحمانی از دین هستیم، قرائتی از دین که واجد حداکثر مدارا نسبت به تمامی دیدگاه‌ها و عقاید است. این کار، کار دشواری است، اما جنبش سبز می‌تواند چنین مسئولیتی را بر دوش خود حس کند. من نسبت به گریز نسل جوان از دین و ارزش‌های توحیدی احساس خطر می‌کنم؛ برخوردها و خشونت‌ورزی‌ها و سرکوب در پوشش حکومت دینی، ممکن است بخش قابل توجهی از جوانان ما را از هر دینی‌گریزان سازد.

**باید انعطاف داشته باشیم و روی یک شکل و شمایل از حکومت\* تصلب پیدا نکنیم.** نقاشی‌های مدرن هنگام خلق اثر عمدتاً دو رویکرد دارند؛ یک گروه آنچه را که مشاهده کرده‌اند و یا تصور کرده‌اند متحقق می‌سازند و به روی بوم می‌آورند؛ و گروه دیگر، کار را شروع می‌کنند و بدون تصویر از اثر نهایی به تدریج و بر روی بوم، نقاشی نهایی را سامان می‌دهند و متولد می‌کنند. آنچه در جنبش سبز در حال وقوع است را می‌توان از نوع رویکرد و روش گروه دوم توصیف کرد.

\*این خبر را بار اول جرس داد. اما کلمه که این خبر را عیناً به نقل از جرس نقل کرد، بجای کلمه "حکومت" گذاشت "جنبش".